

از اظهارات
میخائیل گارباچف
در تلویزیون
مرکزی اتحاد شوروی

۷ ص

شادباش
به حزب کمونیست
ایالات متحده آمریکا

۲ ص

مانور "آزادی"
مطبوعات
و واکنشها

رئیس جدید جمهوری اسلامی را "آزادترین کشور دنیا" می نامد. این در حالی است که در این "آزادترین کشور دنیا" نه تنها هیچ روزنه ای به روی نیروهای مترقی و آزادی خواه گشوده نشده است، بلکه دستگیری مخالفان، ترور و اختناق جزئی جدائی ناپذیر از سیاست حاکمیت است. هدف از سر و صدا درباره این آزادی کاذب روشن است: جلب اعتماد سرمایه خارجی و داخلی، دادن دلگرمی به هواداران رژیم، تدارک برخی کارهای سطحی و تغییراتی در ساختار اداری برای پیشگیری از وقوع انفجارها. در این میان کارگزاران رژیم در برخی روزنامه های مجاز، بسته به نوع گرایشهایی که دارند گاهی به چهره های معینی از میان روشنفکران منفرد و "غیر وابسته" دریاغ سبز نشان می دهند تا از انزوا بیرون آیند و قلم و قدمشان را در راه حفظ "نظام مقدس" به

ادامه در ص ۲

سال جدید آموزشی را به دانش آموزان و دانشجویان کشور تبریک می گوئیم!

طنین زنگ ها در محیط آموزش

با آغاز مهر ماه، باردیگر زنگ مدارس و دانشگاهها در کشور ما به صدا در می آید و بیش از ۱۴ میلیون دانش آموز و دانشجو راهی کلاسهای درس می شوند. امسال نیز در شرایطی سال تحصیلی جدید آغاز می شود که جامعه ما با بحران فراگیر اجتماعی - اقتصادی روبروست و با توجه به سیاست و عملکرد خرد مردمی رژیم چشم انداز ادامه در ص ۵

بزرگداشت شهیدان در داخل و خارج کشور

در سالگرد فاجعه ملی
هزاران تن در داخل کشور یاد فرزندان
به خون خفته خلق را گرامی داشتند

صفحه ۴



نامه مردم
از کان مرکزی غرب توده ایران

شماره ۲۷۷، دوره هشتم،
سال ششم، ۲۸ شهریور ۱۳۶۸
۲۰ ریال

اقتصاد بیمار

اقتصاد ایران بیمار است. برای معالجه هر بیماری نخست باید عامل بروز آن بررسی گردد. این اصل شامل وضع ناسالم اجتماعی - اقتصادی نیز هست. بدون درک عوامل ورشکست اقتصادی و مالی که رژیم به آن دچار است، نمی توان راه برون رفت را پیدا کرد.

ارقام رسمی و نیمه رسمی منتشره در مطبوعات مجاز ژرفای بحران اجتماعی - اقتصادی را نشان می دهد. ما سعی می کنیم با ارائه چند رقم تصویری از این پدیده را آنچنان که هست در برابر خوانندگان قرار دهیم.

در حال حاضر کشور با کاهش درآمد سرانه به نرخ ۴/۵ درصد و کاهش حجم سرمایه گذاری نسبت به تولید ناخالص ملی به مثابه شاخص بحران اقتصادی به میزان ۲۲/۵ درصد در سال روبروست. این ارقام بیانگر فاجعه بزرگی است که مردم میهن ما دچار آن هستند.

۱۷ تیرماه سال جاری معارف وقت وزیر صنایع سنگین اعتراف کرد که "اقتصاد کشور در یکی از بدترین شرایط خود بسر می برد" و تولید در پائین ترین سطح ممکن قرار دارد. به گفته مسئولان رژیم صنایع ایران فقط با ۳۰ درصد ظرفیت کار می کنند. علت عدم کفاف ارز خارجی برای خرید مواد خام، یدکی، مواد نیم ساخته برای راه اندازی صنایع وابسته است. در نتیجه جامعه با کاهش سریع شاغلین در صنایع روبروست. تعداد بیکاران ۵ تا ۶ میلیون تن برآورد می شود.

تولید در عرصه کشاورزی نیز با ورشکست رویاروست. میلیونها روستائی فاقد زمین و یا کم زمین زانگاههای خود را ترک می کنند و به شهرهای بزرگ روی می آورند. با وجود این به موجب ارقام رسمی هنوز هم نزدیک به ۱۳ درصد از جمعیت فعال روستائی بیکارند. این رقم شامل بیکاران فصلی نیست. تعداد

ادامه در ص ۲

ماراه پرافتخار شهیدان توده ای را ادامه خواهیم داد!

مانور آزادی مطبوعات ...

کار گیرند. انتشار مقاله ای زیر عنوان "کته" در "اطلاعات" از این زاویه قابل درک است. این امر انگیزه ای برای واکنشهای گوناگون شده است. کسانی در درون و پیرامون حاکمیت برآنند که باز شدن هر روزنه ای - هر چند کوچک و کم اهمیت - برای "غیر خودی"ها به زیان رژیم تمام می شود و برخی "ارزشها" و "ارمانها" را زیر سؤال می برد. اما گروه دیگر تدبیر فوق را کاری عاقلانه می دانند.

"اطلاعات" می نویسد: "اگر روزنامه ها با در پیش گرفتن خوبانسنوری خود را محور همه تفکرات در نظام جمهوری اسلامی و ملاک تمیز حق و باطل بدانند، آنوقت است که به خطا رفته اند." "اطلاعات" وانمود می کند که روزنامه ها ارگان "گروه و دسته و حزب خاص" نیستند و باید به انتشار "همه دیدگاهها" بپردازند. این دروغ عوامفریبانه ای بیش نیست. همه می دانند که در روزنامه های مجاز کشور راه برای نفوذ اندیشه های انقلابی، سالم و سازنده یکی بسته است. هدف "اطلاعات" این است که به مخالفان باز شدن هر روزنه ای در مطبوعات بفرماند که در شرایط بحرانی کنونی ناگزیر گاهی باید برای دیدگاههای برخی کسانی که "نظام مقدس" را می پذیرند اما آن را "بی ایراد" هم نمی دانند جایی باز شود. بدینسان "اطلاعات" به وجود "دمکراسی" در ج.ا. تظاهر می کند. آشکار است که در راستای درگیریهایی گروهی و جناهی چنین استدلالهایی مخاطبان "اطلاعات" را که نظر نمونه هائی از آنان در همان روزنامه انعکاس یافته است، قانع نمی کند و با یورش مستقیم به کارگزاران "اطلاعات" مخالفت خود با تدابیر آنان را علنی می سازند. مثلا در قطعنامه گروهی از "دانشجویان"، پس از راه پیمائی علیه انتشار مقاله "کته"، از جمله آمده است:

"به همه مطبوعات برای آخرین بار هشدار می دهیم که از درج اینگونه مقالات توهین آمیز به ارزشها و آرمانهای انقلاب اسلامی و امام عزیز و مسئولین خدمتگزار خودداری نکنند وگرنه با عکس العمل شدید امت دافدار و رنج کشیده مواجه خواهند شد...."

این درگیریهایی و هیاهوها نمودی از اختلافات عمیق و ریشه داری است که در درون و پیرامون حاکمیت ج.ا. ت جریان دارد. در این میان آنچه را که نباید جدی گرفت همان بازی مسخره آزادی مطبوعات است.

شادباش به حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا

به کمیته ملی حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا رفقای ارجمند!

هفتادمین سالگرد پایه گذاری حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا را به شما، همه اعضای حزبتان و همه نیروهای مترقی کشورتان صمیمانه شادباش می گوئیم. حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا، که در پرتو انقلاب بزرگ سوسیالیستی اکتبر و در پیکار با نخستین جنگ امپریالیستی تاسیس یافت، همواره پاسدار پیگیر منافع طبقه کارگر ایالات متحده آمریکا بوده است. در مبارزه با مداخله امپریالیستها علیه کشور جوان شوراها، نبرد با فاشیسم فرانکو، جنگ ضد فاشیستی علیه محور رم - برلین - توکیو و رویارویی با مداخله امپریالیسم آمریکا در

اقتصاد بیمار...

اینگونه بیکاران به ۲۰ درصد کل شاغلین روستاها بالغ می شود.

سطح نازل آموزش و پرورش و عدم امکان میلیونها کودک برای آغاز و ادامه تحصیل، آینده جامعه را تهدید می کند. ۲۲ مرداد ماه روزنامه "اطلاعات" نوشت که از تعداد حدود ۱۶/۷ میلیون تن در گروه سنی ۶ تا ۱۴ ساله تعداد ۹/۲ میلیون در مدارس ابتدائی و راهنمایی به تحصیل اشتغال داشته اند. به بیان دیگر ۲۱ درصد این افراد از آموزش محروم بوده اند. این ارقام از آمار سرشماری سال ۱۳۶۵ استخراج شده است. با توجه به افزایش سریع جمعیت (۳/۷ تا ۳/۸ درصد در سال) تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل.

سیاست رژیم ج.ا. ت که در جهت تامین منافع مشتی غارتگران - صاحبان ثروت عمل می کند، دهها میلیون ایرانی را با فقر و مکتد و بپرو ساخته است. احمد حسینی، معاون مالیاتی وزیر امور اقتصادی و دارائی رژیم، تصویری از توزیع دارائی ها در کشور ارائه می دهد که گویای این وضع فلاکت بار است: ۴۰ درصد مردم که در پائین ترین گروه اجتماعی قرار دارند، مالک ۲/۹ درصد از دارائیها هستند. ۴۰ درصد دیگر مردم ۲۲/۸ درصد از این دارائیها را صاحب اند و ۲۰ درصد "بالای جامعه" مالک ۷۴/۸۵ درصد ثروتهای کل می باشند. او می گوید، اگر ۲۰ درصد آخری را خرد نمایم، ۱۰ درصد آن مالک ۱/۶۸ و ۱۰ درصد مابقی مالک ۶۳/۱۷ درصد ثروت جامعه اند و نهایتا یک درصد گروه آخری به تنهایی صاحب ۲۱/۸ درصد ثروت اند.

این پیکره ها نیازی به تفسیر ندارد و در واقع مظهر "عدالت اسلامی" وعده داده شده به مردم است. این وضع وحشت زا در جامعه نمی تواند قابل دوام باشد. اینکه دهسال پس از حاکمیت جمهوری اسلامی کشور با چنین مشکلات عظیمی رویاروست، جای تعجب نیست و نتیجه سیاست ضد خلقی رژیم است که نه تنها نتوانست به وابستگی عمیق اقتصاد کشور که خواست عمده نیروی محرکه انقلاب بود، پایان دهد بلکه آن را تشدید نیز کرد.

سران رژیم که به خوبی به کتف جامعه پی برده اند، می کوشند تا با طرح وعده پایان دادن به وابستگی اقتصادی از شدت

کره، ویتنام، کوبا، نیکاراگوئه، خاور نزدیک، افغانستان، انگولا و غیره حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا حتی يك لحظه درفش انترناسیونالیسم پرولتری را بر زمین ننهد.

حزب ما بویژه هیچگاه همبستگی پایدار و عمیق حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا را با پیکار مردم ایران و حزب توده ایران علیه امپریالیسم و ارتجاع و در راه صلح و دمکراسی از یاد نخواهد برد.

ما بار دیگر این جشن خجسته را به شما شادباش می گوئیم و پیروزی هرچه بیشترتان را در مبارزه برای صلح، دمکراسی و بهروزی طبقه کارگر کشورتان خواستاریم.

با دروهای کمونیستی کمیته مرکزی حزب توده ایران اوت ۱۹۸۹

وحدت نارضایتی فراگیر بکاهند. اما، پرواضح است که مسئله استقلال اقتصادی به عرصه عقل و اندیشه و منطق و عمل مربوط است، نه احساسات. در وهله نخست باید مدل رشد اجتماعی - اقتصادی تعیین گردد. "اقتصاد اسلامی" مورد بحث آقایان فاقد پایه علمی و عملی است. برنامه پنجساله نیز، به گفته رئیس کمیسیون بودجه و برنامه مجلس در شرایط کنونی غیر عملی است. به نظر ما حتی اگر این برنامه به مورد اجرا گذارده شود، گره مشکلات بیشمار اجتماعی و اقتصادی را نخواهد گشود.

جامعه ما نیاز به يك تحول همه جانبه دارد. مدل اجتماعی - اقتصادی باید کلیه جوانب زندگی را فراگیرد و در عرصه های گوناگون مانند رشد واقعی صنعتی و کشاورزی، آموزش و پرورش شرکت در مبادلات علمی، فرهنگی، اقتصادی جهانی، تربیت کارهای ماهر و فنی با بضاعت علمی کافی برای تولید واقعی (نه مونتاژ) و ارائه خدمات در سطح عالی و ... موثر افتد.

خارج از این محدوده نمی توان از استقلال اقتصادی به عنوان شرط ضرور استقلال دولتی - سیاسی سخن به میان آورد. با دادن شعار استقلال، در هر شکل، بدون زمینه سازی برای دستیابی به آن نمی توان هیچ کشوری را به استقلال رساند. هیئت حاکمه ایران با دادن شعارهای بی محتوا جامعه را دچار فاجعه بزرگی کرده اند. تجربه نشان داده که پایه و اساس استقلال اقتصادی را نه تنها اقتصاد نیرومند و مدرن، بلکه در عین حال فرهنگ سیاسی، مسئولیت عالی اخلاقی در برابر خلق، مراعات اکید موازین پذیرفته شده دمکراتیک تشکیل می دهد. پوشیده نیست که فقط در جامعه آزاد، در شرایط وجود آزادیهای دمکراتیک، انسانها قادر به بروز ابتکار خواهند بود. درست به همین سبب حزب ما شعار آزادی و صلح را در مرحله کنونی مبارزه به عنوان عامل بسیج کننده نیروها تعیین کرد. باید با همه توان شمارهای حزب را به درون توده ها برد. باید راه خروج از بن بست کنونی را که حزب ما مطرح ساخته با توده ها در میان گذارد. زیرا فقط در این شرایط است که ما خواهیم توانست آنها را به نیروی مادی شکست ناپذیر تبدیل سازیم.

هم میهنان!
رژیم را ناگزیر به
انتشار اسامی شهیدان
خلق و زندانیان
سیاسی کنید!



در برخی از دانشکده های دانشگاه های تهران، از طرف انجمن های اسلامی دانشگاه ها، محلی را بعنوان 'ستون آزاد' در نظر گرفته اند که به اصطلاح دانشجویان بتوانند نظرات خود را بنویسند. اگر چه دانشجویان 'ستون آزاد' را در واقع محلی برای شناسایی دانشجویان مترقی و انقلابی می دانند، با این وجود مطالبی از قبیل اعتراض به کشتارهای جمعی زندانیان سیاسی، اعتراض به سیاست ترور و خفقان حاکم، گرانی و غیره توسط دانشجویان در این ستون نصب شده است. از جمله یکی از دانشجویان خوش شوق شرایط و وضعیت دانشگاه ها را به فیلم های سینمایی تشبیه کرده است که بسیار مورد توجه قرار گرفته و دهان به دهان نقل می شود. مطلب پیش گفته به قرار زیر است:

دانشگاه = 'برده سینما' : رئیس آموزش = 'هزار ستان' : استاد راهنما = 'گمشده' : پزشک دانشگاه = 'چن گیر' : اعتراض دانشجو = 'فریاد زیر آب' : برخورد مسئولان = 'شاید وقتی دیگر' : اولین امتحان = 'اولین خون' : شب امتحان ریاضی = 'امشب اشکی می ریزد' : تقلب قرارداد شرافتمندانه : دانشجوی تازه وارد = 'هالوی خوش شانسی' : دانشجوی فارغ التحصیل = 'دیوانه از قفس پرید' : دانشجوی انصرافی = 'مردی که بزائو در آمد' : عمر دانشجو = 'پر باد رفت' : طرح ۶ ماهه = 'می خواهم زنده بمانم' : لیست مرات امتحانی = 'دیدی ها' : کیف سامسونت = 'طبق تو خالی' : نمره ده = 'پرنده کوچک خوشبختی' : قبولی فوق لیسانس = 'حادثه' : ماشین حساب = 'آرزوهای بزرگ' : ساختمان عمران = 'آسمانخراش چینی' : چانداران وسط غذا = 'اثر' : همان غذا بعد از خوردن = 'هیولای درون' : غذای فردا = 'شبح کژدم' : حیاط دانشکده = 'حریم مهرورزی' : سلف سرویس = 'اتوبوس بسوی مرگ' : نویسنده مطالب = 'مردیکه زیاد می دانست'.

و اجتماعی، آزادی زندانیان سیاسی، برسمیت شناختن حق تعیین سرنوشت خلفا، اجازه فعالیت قانونی دادن به احزاب و سازمانهای مخالف و مدافع زحمتکشان، بست برداشتن از تروریسم دولتی، خرجی در بر ندارد. مردم می گویند اگر رژیم راست می گوید و واقعا می خواهد به خواستهای 'معقول' ما پاسخ بگوید، در نخستین گام، آزادیهای دمکراتیک را در جامعه احیاء کند. ولی بر همگان چون روز روشن است که رژیم از ایجاد شرایط دمکراتیک در جامعه مثل چن از بسم الله هراس دارد.

در حال حاضر، مردم وقتی می بینند آن بخش از خواستهای معقول اجتماعیشان همانند آزادیهای دمکراتیک بشدت در جامعه سرکوب می شود، طبیعی است که به وعده های رژیم و سرمدارانش باور نمی کنند و با گذشت هر روز در برخورد با پیامدهای سیاست و عملکرد ضد مردمی جمهوری اسلامی، انگیزه های تازه تر و نیرومندتری برای تشدید مبارزه علیه رژیم خودکامه ولایت فقیه می یابند.

سخن از کدهای انتظارات در میان آمدن

اساسی و در این چارچوب ایجاد تمرکز در قوای سه گانه، گماردن رئیس جمهوری با اختیارات بی حد و مرز، تشکیل و گرفتن رای اعتماد برای کابینه ای 'کارآمد'، هماهنگ و منسجم و دیگر تغییر چهره ها، جایجایی ها و حذف و نصب های کارگزاران و سررشته داران امور حکومتی، 'کشودن' گره از کارها' بوده است.

در این رهگذر، مسئله اصلی و درد رژیم آن نیست که نمی خواهد تحولی هدفمند در زندگی اقتصادی - اجتماعی کشور به منظور پاسخگویی به انتظاراتی ایجاد کند، بلکه بر عکس می خواهد ایجاد کند، ولی درد بزرگش بر سر ماهیت این تحولات و پیامدهای آتی آن است که اساسا با خواستها و انتظارات عادلانه توده های مردم همخوانی ندارد. از اینرو، سران رژیم به مردم می گویند که 'انتظار معجزه نداشته باشند' و علل آنرا ناشی از مشکلات اقتصادی بوجود آمده طی سالهای گذشته، از جمله رکود تولید صنعتی و کشاورزی و کمبود ارز و منابع مالی بخاطر هشت سال جنگ معرفی می کنند. در این پیوند، همین جا باید حقایق را خاطر نشان ساخت:

اول: سران رژیم گویی فراموش کرده اند که مثلا در طی شش سال ادامه بی دلیل جنگ، وقتی نیروهای مترقی می گفتند که بجای خرید میلیاردها دلار اسلحه و ریختن آن در کوره جنگ توسعه طلبانه، به داد مردم برسید و گرهی از انبوه مشکلات اقتصادی آنها را باز کنید، همواره وعده می دادند که پس از 'پایان پیروزمندانه جنگ' همه مشکلات مادی مردم را به یک چشم بهم زدن حل خواهیم کرد. و مردم برای شکم انقلاب نکرده اند.

ثانیاً: صرفنظر از اینکه، بنظر ما با تنظیم یک برنامه علمی که در آن بهره برداری از همه امکانات مادی و نیروهای کارآمد ملی پیش بینی شده باشد، می توان به بسیاری از خواستهای مردم 'در حد معقول' و حتی نه درازمدت، پاسخ گفت، یادآور می شویم که اگر رژیم واقعا 'قصد' جامعه عمل پوشاندن به خواستهای توده های مردم و نه صاحبان سرمایه و سیم و زر، حتی در یک 'نوره زمانی معقول' (!؟) را دارد دیگر نیازی به سر دادن شعارهای بدون پشتوانه ندارد. مردم در درجه اول درباره اعمال قضاوت می کنند و برای خود معیارهایی دارند. آشکار است که همه خواستهای توده های مردم از طریق تولید ثروت و چوب حراج زدن به آن و یا گرفتن وام از خارج و به گردش در آوردن چرخ کارخانجات نمی گذرد و اجرای آنها نیاز به زمان ندارد. زمانی مردم می توانند به وعده های خوش آب و رنگ رژیم مبنی بر تحول در زندگی اقتصادی کشور به سود خود اعتماد کنند' که ببینند سران جمهوری اسلامی ضمن اعتراف به تبهکاریهای گذشته، آن بخش از خواستهایشان را که بیدرنگ قابل اجرا است، اجرا کنند، بویژه آنکه متضمن هیچ هزینه ای هم نیست.

کوتاه سخن، حرف بر سر این است که مثلا پایان دادن به حکومت ترور و خفقان پلیسی، احترام به آزادی بیان، قلم، گردهمایی و تشکل، تامین حکومت قانون، رعایت ابتدایی ترین حقوق انسانی و فردی

از هفته ها پیش، در جریان نشاندن رفسنجانی بر کرسی ریاست جمهوری و تشکیل کابینه و دیگر جایجایی های درون حکومتی، سرمداران رژیم از رهبر عالیقدر و 'رئیس جمهور محبوب' و 'پادگار گرانقدر امام' گرفته تا کروبوی و نمایندگان مجلس و مشتقی قلم بمزدان رژیم در مطبوعات مجاز، وقت و بی وقت، درباره 'توطئه هایی' بمنظور ایجاد 'انتظارات نامعقول و بست نیافتنی' و 'توقعات نابجا و بیش از حد' سخن می گویند یا قلم می زنند و اشیاع بی نام و نشانی را در بیرون و حتی درون حاکمیت، از بین مخالفان و موافقان نظام محکوم می کنند. حال، با گسترش این کارزار شاهد آتیم که روزنامه 'کیهان' طی مطالبی ضمن آنکه انتظارات مردم را 'موج فتنه انگیزی' می خواند، خواهان 'سد' کشیدن جلوی آن می شود و می نویسد که اگر جلوی 'این موج فتنه انگیزی' را سد نکنیم در صورت بیمار نشستن، ثمرات شوم آن در آینده ای نه چندان دور گریبانگیر مسئولین و مردم زجر کشیده می شود... (کیهان ۱۸/۵/۳۱).

اینک باید دید توده های مردم کدام 'انتظارات نامعقول' را دارند یا به کدام انتظارات از سوی نیروهای معینی در درون جامعه دامن زده می شود. واقعیت آن است که پس از گذشت ده سال از فرمانروایی رژیم جمهوری اسلامی توده های مردم از فقر سیاه، از بیکاری توده ای، پائین بودن سطح دستمزد و حقوق و گرانی و تورم سرسام آور، از نداشتن مسکن مناسب، از وضع اسفناک بهداشت و درمان، آب و برق و نیز حمل و نقل درون شهری و بین شهری، از سرکوب ابتدایی ترین آزادیهای فردی و اجتماعی و بی قانونی، از نبود قوانین کار و تامین اجتماعی مترقی، از غارت کلان سرمایه داران و بزرگ زمینداران و ... در یک کلام از اعمال حاکمیت رژیم 'ولایت فقیه' با پیامد های شوم آن، رنج می برند و در این پیوند، خواستهای بجا و بر حق و معقول خود را دارند و در راه دستیابی به آنها مبارزه می کنند.

قطع نظر از جنبه پیشگفته، جنبه دیگر مسئله به عملکرد خود رژیم و گفتار و کردار سرمداران آن باز می گردد. در شرایط پس از مرگ خمینی، تغییر و تحولات عمیق و پردامنه ای در عرصه های گوناگون زندگی جامعه بویژه در ساختار حکومتی یا بوجود آمده و یا زمینه های بوجود آمدنش فراهم گردیده است. می توان پرسید چرا؟

روشن است که اصولاً تغییر و تحول در ترکیب کارگزاران در هر کشوری، قطع نظر از نظام اجتماعی حاکم بر آن، وقتی زیر پرچم شمارها و وعده های تازه انجام می گیرد، معنایی جز اعلام آمادگی برای پاسخگویی به خواستهای معین نمی یابد. این حکم در مورد جمهوری اسلامی نیز صادق است. بدینسان باید گفت که در درجه اول خود رژیم در شرایط 'خلاء خمینی'، با تغییر و تحولات اخیر می خواهد به انتظاراتی در جامعه دامن بزند. صحبت از 'آغاز دوران جدید'، 'فصلی تازه' و 'مرحله نوین انقلاب' دقیقاً تأیید گر این امر است. گذشته از آن، مگر سران رژیم خود بارها و بارها اعلام نکرده اند که هدفشان از اصلاح قانون

بزرگداشت شهیدان در داخل و خارج کشور

فاطمه قتل عام زندانیان سیاسی، که بخاطر آرمان مشترک مبارزه در راه دموکراسی و پیشرفت دستگیر، شکنجه و کشته شدند، سر تعظیم فرود می آورد... دهه شهدای فاجعه ملی ۶۷، شهدای راه آزادی و استقلال - ۵ تا ۱۵ شهریور - دهه گرامیداشت یادها و درس آموزی از شهیدان و تشدید مبارزه در راه آرمان های والای آنهاست. در این زمان مقدس، که از شهیدان پاکباز جنبش انقلابی یاد می کنیم، به بازماندگان آنان صمیمانه درود فرستاده، به بانگ رسا اعلام می داریم: قلب ما با عزیزان شما بوده و هست. مردم ما هیچگاه خاطره پاک قربانیان راه آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و صلح را فراموش نخواهند کرد.

در برون از مرزها روز جمعه اول سپتامبر به دعوت کمیته همبستگی با زندانیان سیاسی ایران تظاهراتی در مقابل سفارت جمهوری اسلامی در پاریس برگزار شد. در این تظاهرات دهها تن از ایرانیان شرکت کننده با شمارهای کوبنده رژیم تبهکار ولایت فقیه را محکوم کردند. در اعلامیه ای که به همین مناسبت از سوی کمیته مذکور انتشار یافت، از جمله گفته می شد:

"... کمیته همبستگی با زندانیان سیاسی ایران از تمامی نیروهای آزادیخواه و دمکرات دعوت می نماید تا ضمن بزرگداشت خاطره شهدا و همبستگی با مبارزات زندانیان سیاسی، با درس آموزی از تجربه یکساله خود، با اقدامات افشاگرانه وسیع و هماهنگ با یکدیگر در جهت دفاع از جان زندانیان سیاسی کشور، اعتراض خود را به ادامه سیاست سرکوب و اختناق در ایران به گوش افکار عمومی جهان برسانند."

در برلن غربی و شهرهای آلمان فدرال نیز تظاهرات و گردهمایی هایی به همین منظور برگزار شد. در گردهمایی برلن غربی، اعضاء و هواداران بسیاری از سازمانهای آزادیخواه و انقلابی، روشادوش هم یاد فرزندان دلاور میهن را گرامی داشتند.

باشد تا همه این گردهمایی ها گامی شود در راه نزدیکی آزادیخواهان و نجات زندانیانی که هنوز زنده اند.

موظف است حقوق قانونی و انسانی هر متهمی را رعایت کند - ایراد بگیرند که اجازه نمی دهد متهمان وکیل مدافع داشته باشند و با خانواده هایشان دیدار کنند!

معلوم نیست چرا چیزی که برای "اسلام فقاهتی" مجاز است، برای "اسلام وهابی" نباید مجاز باشد؟

آنچه که در جمهوری اسلامی گذشته و می گذرد برای هیچ انسان متقدمی قابل قبول نیست. قتل عام زندانیان سیاسی، کشتار بیش از ۸۰۰ زن و مرد در ظرف چند ماه به عنوان قاجاچی، سنگسار کردن زنان نگون بخت، استفاده از تروریسم و آدم ربایی در داخل و خارج از کشور، همه و همه جز بدنامی و ننگ ابدی حاصل دیگری ندارد. با مظلوم نمایی، انتقاد عوامفریبانه از نقض حقوق بشر در دیگر کشورها، و توجیه جنایات خود با جنایات دیگران، هیچگاه نمی توان لکه ننگ را زدود.

دیروز

با برگ های سرخگون پاییزی

پر خاک افتادند

تا سپیده دم فردا

در رقص نور بر شبم

و بوسه کبوتر بر چشمه

باز گردند...

در اولین سالگرد کشتار همگانی زندانیان سیاسی کشور، همه میهن پرستان و آزادی خواهان ایران به همراه خانواده های داغدار شهیدان فاجعه ملی، یاد این قهرمانان بنام و گمنام خلق را گرامی داشتند. مراسمی که بدین منظور در چهار گوشه میهن و سراسر گیتی برگزار شد، بسته به شرایط گونه گون بود. از گردهمایی های کوچک بازماندگان و دوستداران این عزیزان گرفته تا تظاهرات گسترده در مقابل نمایندگان های ج.ا. در کشورهای مختلف، همه جا و در هر جا پیمان بسته شد تا راه تابناک شهیدان پی گرفته شود. و این کمترین ادای دین به خاطره ابدی کسانی بود که هستی گراندتر خویش را در راه آنچه که انسانی است، بی دریغ نثار کردند.

در ایران، خانواده های قهرمانان شهیدان، بی هراس از اوباشان رژیم، برگورهای جمعی قربانیان گرد آمدند تا درد مشترک را به عزم مشترک بدل کنند. هراس نه در دلهای ایشان که در دلهای سپاه گردانندگان رژیم بود. هم از اینرو اجتماعشان در آنگوشه نورافشاده را نیز تحمل نتوانستند و گزمگان خویش را برای پراکندن آنان گسیل کردند. در جریان این تالان دهها تن از اعضای خانواده قربانیان بازداشت شدند.

"کانون حمایت از زندانیان سیاسی ایران - داخل کشور" با ارسال پیامی به خانواده شهیدان فاجعه ملی، به همه آنان صمیمانه درود فرستاد. در این پیام می خوانیم: "... کانون حمایت از زندانیان سیاسی ایران - داخل کشور... در برابر خاطره قربانیان

دیگر درباره جنایات نظیر آنها که در دیگر کشورها صورت می گیرد، سر و صدا به راه می اندازد.

مثلا اخیرا صدای جمهوری اسلامی با آب و تاب از رژیم عربستان سعودی انتقاد می کرد که چند تن از شهروندان کویتی را که به جرم بمب گذاری در مراسم حج اخیر دستگیر کرده است مورد شکنجه قرار داده و آنان را از حق داشتن وکیل مدافع و دیدار با خانواده هایشان محروم کرده است. گردانندگان صدا و سیما که به علت خصوصیات شغلی خود باید از آنچه که در کشور می گذرد آگاه باشند، حتما می دانند که در تابستان سال گذشته هزاران زندانی سیاسی به دستور مستقیم خمینی، بدون محکمه و محاکمه، بدون وکیل مدافع و محروم از دیدار با خانواده هایشان مخفیانه اعدام شدند و در گورهای جمعی دفن گردیدند. حال اینان به خود اجازه داده اند از پلیس عربستان سعودی - که البته

نقض حقوق بشر در "اسلام وهابی" و در "اسلام فقاهتی"

رژیم جمهوری اسلامی از بسیاری جهات و از جمله بخاطر نقض حقوق بشر، در سراسر جهان بدنام است. این واقعیت را گردانندگان جمهوری اسلامی نیز خوب می دانند و همه روزه آنرا احساس می کنند. مثلا آنچه که زیر عنوان پرطمطراق 'حفظ کرامت انسانی زن' به زنان ایران تحمیل می شود چیزی جز نقض آشکار حقوق انسانی زن نیست. مجبور کردن زنان به رعایت يك پوشش من درآوردی، دادن حق طلاق يك چانه به مرد، گرفتن کودکان از زن مطلقه، جایز بودن تعدد زوجات و ازدواج موقت، ممنوع کردن مسافرت و ورزش و آواز خواندن برای زنان و انواع دیگر تبعیض ها، کوچکترین وجه مشترکی با حقوق بشر ندارد. اینها همه از چشم بشریت مترقی در سطح جهان پنهان نیست. اما بویژه مسئله کشتار خودسرانه مخالفان سیاسی رژیم و زیر پا گذاشتن حقوق انسانی متهمان سیاسی و غیر سیاسی و عدم رعایت موازین شناخته شده بین المللی و ابتدائی ترین آزادیهای شخصی و اجتماعی شهروندان، در دیگر کشورها پژواک بسیار گسترده ای داشته است.

آری، در دنیای امروزی که شبکه رسانه های همگانی سراسر کره زمین را فرا گرفته و هیچ رویدادی، در هیچ جایی نمی تواند در دراز مدت پنهان بماند، دیگر نمی شود مانند خمینی دستور ننگین قتل عام زندانیان سیاسی را بزدانه صادر کرد و سپس خشمگین شد که چرا منتظری 'اسرار اسلام' را فاش ساخته و نام عامران و مجریان آن جنایات حیوانی را اعلام کرده است.

لاریجانی، معاون سابق وزارت امور خارجه و مشاور کنونی آن، در گرماگرم کشتار جمعی زندانیان سیاسی در سوئد بود. هنگامی که از او پرسیدند آیا راست است که در ایران زندانیان سیاسی را قتل عام می کنند، او این واقعیت را انکار کرد و پاسخ داد که چرا رژیم باید چنین کاری را بکند، اگر آنها در زندان هستند چه خطری می توانند داشته باشند؟ در آنزمان شاید هم لاریجانی برآستی نمی توانست پاور کند که ممکن است چنین جنایت هولناکی در زندان های رژیم ولایت فقیه روی داده باشد. اما بعد ها واقعیت تلخ بر همگان روشن شد. اینک لاریجانی مقاله ای برای 'کیهان' فرستاده و در آن با احتیاط بسیار توصیه کرده که بهتر است از انجام کارهایی که دنیا پسند نیست و چهره رژیم را 'کریه می کند' خودداری کنیم. اما رژیم ولایت فقیه قادر به خودداری از اینگونه جنایات نیست. يك رژیم واپسگرا و بی آینده چاره ای جز این ندارد که با توسل به زور و اختناق و ایجاد وحشت در جامعه، چند صیاحی بیشتر به زندگی نکبت بار خود ادامه دهد.

سستگاه تبلیغاتی رژیم در حالیکه از يك طرف می کوشد تا جنایات هائی را که خمینی و پیروان او مرتکب شده اند، بعنوان 'تسورات الهی' توجیه کند، از سوی

طنین زنگها در محیط آموزش

هیچ تحول اساسی و مثبتی برای برون رفت نظام آموزشی کشور از ورطه بحران زرف، دیده نمی شود.

امسال نیز دانش آموزان و دانشجویان در محیط های آموزشی با مشکلات و دشواریهای جدی دست به گریبان خواهند بود. نگاهی به مقایسه اعتبارات جاری و عمرانی پیش بینی شده و تخصیص داده شده در چند سال گذشته فاصله نیازها و امکانات آموزشی را نشان می دهد: مثلاً در سال ۶۵ میزان اعتبارات مورد نیاز آموزش و پرورش ۱۰۹ میلیارد ریال برآورد می شود، در حالیکه تنها ۱۲/۸ میلیارد ریال هزینه شده است و آمار دیگری گویای آنست که اعتبارات عمرانی مورد نیاز آموزش و پرورش در برنامه اول (۶۵-۶۱) ۴۲۸/۴ میلیارد ریال بوده که از این مبلغ فقط ۱۱۹۶ میلیارد ریال، یعنی حدود یک چهارم هزینه مورد نیاز، تخصیص و هزینه شده است. پیامدهای ناگزیر عدم اختصاص حداقل اعتبارات مورد نیاز برای وزارت آموزش و پرورش، وزارت آموزش عالی را می توان از جمله در کمبود شدید فضای آموزشی، استهلاک روزافزون فضاهای موجود، تراکم هر چه بیشتر دانش آموزان در کلاس، کمبود آموزگار و دبیر و استاد، بکارگیری افراد غیر متخصص، پائین آمدن کیفیت آموزش، افت شدید تحصیلی، کمبود تجهیزات کلاسی (میز، نیمکت - تخته سیاه و ...) کمبود مواد کمک آموزشی (کتابخانه، آزمایشگاه، کارگاه و ...) و محدودیت آموزشهای فنی - حرفه ای مشاهده کرد. مدارس و دیگر موسسات آموزشی موجود، به هیچ وجه حتی پاسخگوی حداقل نیازهای واقعی جامعه نیستند. به اعتراف وزیر آموزش و پرورش هر سال حدود چهارصد هزار نفر از نونهالان واجب التعلیم بدلیل کمبود امکانات از نعمت تحصیل محروم می مانند* (کیهان ۱/۸/۶۸) افزون بر آن، هر سال صدها هزار تن از فرزندان زحمتکشان شهری و روستایی بخاطر فقر و تنگدستی ناگزیرند در کارخانه ها و کشتزارها به کار بپردازند. بر اساس آمارهای رسمی سرشماری سال ۶۵ از جمله ۴/۶ درصد از دختران روستایی و ۲۱/۸ درصد از دختران شهری اساساً به مدرسه راه پیدا نمی کنند. از بین داوطلبان ادامه تحصیل در دانشگاهها، با توجه به سهمیه ۴ درصدی نهادها و بنیادهای وابسته به رژیم درصدا اندکی از آنان قادرند با گذشتن از امتحان گوناگون، به دانشگاهها راه یابند.

در حال حاضر بعلمت کمبود فضای آموزشی، بیشتر مدارس حتی در تهران دونوبتی، سه نوبتی و شمار چشمگیری چهار نوبتی هستند. به گفته نایب رئیس کمیسیون آموزش و پرورش مجلس، در سال گذشته در بسیاری از مناطق محروم ما شاهد هستیم که بچه ها در طول هفته شاید ۱۰ یا ۱۲ ساعت بیشتر درس نمی خوانند. روشن است که وضع مدارس روستایی بمراتب اسفناکتر از وضع مدارس شهری و پایتخت است. به نوشته کیهان نمونه هایی بوده که بدلیل کمبود جا محصلان روی زمین و یا بر سکو و پله های موجود در کلاس نشستند و به فراگیری دانش پرداخته اند و یا شاگردان یک روستا در کلاس نشسته که سقف چوبی آن با شمع* (چوب بست) نگهداشته شده بود. بگذریم از اینکه نگرانی

دوم شاگردان افتادن مار و عقرب و حشرات از این سقف بر سرشان بوده - یا مثلاً در یک استان مهم و معروف بیش از هزار کلاس و ۴ هزار معلم کم داریم* (کیهان ۱۰/۱۷/۷۷). کمبود آموزگار و دبیر و استاد از جمله عوامل بسیار مهمی است که کیفیت آموزش در سطوح ابتدایی، متوسطه و عالی را در کشور ما بشدت تنزل داده است. رژیم بجای اختصاص اعتبارات ضرور برای گسترش موسسات تربیت معلم و استاد تلاش می ورزد که جای خالی آموزگاران، دبیران و استادان مورد نیاز را با افرانی پر کند که بخش چشمگیری از آنها حتی حداقل پایه تحصیلی و علمی ضرور را نیز ندارند. مثلاً بر اساس آمار، در سال تحصیلی ۶۵-۶۴ تعداد ۱۲۴۴۴ معلم دارای مدرک کمتر از دیپلم بطور رسمی در مدارس ابتدایی و حتی متوسطه به تدریس میپردازند. در دانشگاهها هم اندک نیستند استادانی که فاقد هرگونه صلاحیت علمی هستند و جایشان به هیچ وجه نمی تواند نشستن بر کرسی استادی یا ریاست موسسات آموزش عالی باشد.

در سال تحصیلی تازه، همچنان شاهد آنیم که فضای ترور و خفقان در محیط آموزشی فرماترواست. دانشجویان و دانش آموزان از آزادیهای مکرراتیک از جمله آزادی بیان و تشکل محروم هستند و هر تلاش سازمان یافته برای دستیابی به حقوق حتی صنفی شان با بگیر و ببند و دستبند و زندان پاسخ داده می شود و کمترین عقوبت برای جوانان دگراندیش محرومیت از تحصیل است. در این بین، نهادهای سرکوبگر رژیم در موسسات آموزشی بویژه انجمن های اسلامی با برخورداری از اختیارات بسیار، می کوشند سیاست ارتجاعی رژیم را به اجرا گذارند. نمی توان درباره فضای محیط های آموزشی سخن گفت، ولی از ستم ها و تبعیض های غیر انسانی ای که نسبت به دختران دانش آموز و دانشجو روا داشته می شود، سخن نگفت. در فشرده ترین کلام آنان از ابتدایی ترین حقوق محرومند. از جمله در انتخاب رشته تحصیلی و نحوه پوشیدن لباس و آرایش و همکلاسی و همکاری سازنده فکری با پسران همکلاس خود با انواع محدودیت ها روبرو هستند.

رژیم با سیاست نادرست آموزشی خود، بحران دامنگیر نظام آموزشی کشور را حادتر می سازد و به دلایل کاملاً عینی چشم انداز روشنی را نمی توان در برابر داشت. مثلاً با توجه به نرخ رشد جمعیت، وزارت آموزش و پرورش برای پاسخگویی به حداقل نیازهای آموزش، در سالهای آینده هر سال نیاز به ۲۳ هزار و ۵۰۰ کلاس تازه و حداقل ۴۵ هزار آموزگار جدید دارد. حال در شرایطی که در سالهای گذشته، بودجه مراکز تربیت معلم کاهش یافته و در همه سالهای پس از انقلاب تنها ۱۲ هزار کلاس جدید ساخته شده است و هم اکنون رژیم با بحران مالی و بربوروست، روشن است که در سالهای آینده نیز به این حداقل نیازها پاسخ داده نخواهد شد.

بر این بنیان از جمله شاهد آنیم که رژیم بیش از پیش برای فعالیت کلان سرمایه داران در گستره آموزش میدان باز می کند. طبیعی است که این سیاست رژیم جز به تشدید خصلت طبقاتی نظام آموزشی به زیان فرزندان زحمتکشان نخواهد انجامید در چنین شرایطی، مردم ایران و بویژه دانش آموزان و دانشجویان،

در وزارت خارجه

میزان موفقیت، یک صدم

قربان علی صالح آبادی، نماینده مشهد، در مخالفت با وزیر خارجه کابینه رفسنجای دلایلی را عنوان می کند که مرور آن پر بدک نیست:

وزارت خارجه نتوانسته است از پتانسیل عظیم حمایت مسلمانان جهان از انقلاب اسلامی ایران به نفع سیاست کشورمان و فعال کردن منافع جمهوری اسلامی ایران استفاده کند. به عنوان نمونه، یک آمارگیری نشان می دهد که از ۱۰۰ پیام که از سوی یکی از مقامات بلند پایه کشورمان برای کشورهای خلیج فارس ارسال شد تنها مبادرت به ارسال یک پیام برای کشور ما نموده اند و این نشانگر آن است که تحلیل درستی از این کشور ها نداشتیم.

سیاست استخاره

صالح آبادی در ادامه سخنان خود می

افزاید:

مجریان سیاست خارجی ما باید کسانی باشند که این پیچیدگی ها را بفهمند و دارای تحلیل باشند و کارگزاران آن تحلیل گر مسائل سیاسی باشند. در حالی که ما در بخش هایی از وزارت خارجه شاهد فعالیت کسانی هستیم که در هنگام تصمص گیری در حساس ترین مسائل خاورمیانه متوسل به استخاره می شوند. بطوری که یکی از مسئولین وزارت خارجه در یکی از کشورها ۱۳ بار استخاره کرده است. مسئول دیگری وقتی با مقامات خارجی ملاقات می کند بجای اینکه مسائل سیاسی منطقه ای و روایت جهانی را تحلیل کند بیشتر حدیث و روایت اسلامی یاد می دهد. البته این خوب است ولی آیا وظیفه وزارت خارجه این است؟

انتقال از "آرامکو" به وزارت خارجه

نماینده مشهد در مورد ندرت سوابق انقلابی تحصیل کرده های خارج در وزارت خارجه می گوید: در ستاد مرکزی وزارت خارجه کسانی هستند که قبل از انقلاب در آمریکا در شرکت معروف "آرامکو" کار می کردند و الان می خواهند روابط ما را با عربستان و سایر کشورها عادی کنند. آیا سیاستی که حضرت امام تعیین کرده باید به دست چنین کسانی اجرا شود؟* (کیهان - ۶ شهریور ۶۸)

آموزگاران و استادان و دیگر کارکنان موسسات آموزشی در برابر وظیفه سنگینی قرار می گیرند. دانش آموزان و دانشجویان در درجه اول با جلب حمایت آموزگاران و استادان باید با تشدید مبارزه صنفی در راه خواسته هایشان به مبارزه بپردازند. در عین حال باید بدانند اگر مبارزه صنفی به مبارزه سیاسی فراتر رود و از پشتیبانی فعال دیگر اقشار و طبقات خلق برخوردار نشود و مبارزه دانشجویی و دانش آموزی با مبارزه عمومی خلق علیه رژیم ولایت فقیه* و در راه آزادی و صلح در هم نیامیزد، هیچ دگرگونی بنیادی در نظام آموزشی بحران زده و طبقاتی کنونی به سود زحمتکشان روی نخواهد داد.

دزدی و اختلاس
در سپاه و ...

- مسئول تدارکات سپاه در آذربایجان غربی که مبلغ ۲۲ میلیون تومان دزدی کرده بود، در نیمه سال ۶۷ بیاری همدستانش مخفیانه از کشور خارج شد.
- کربمی، یکی از مسئولان ستاد جذب و هدایت کمکهای مردمی به جبهه های جنگ (استان گیلان) به جرم اختلاس ۸۶ میلیون تومان بازداشت شد.

- مدیریت شرکت صنعتی جنرال برای خرید احتیاجات نایلون شرکت، از طریق مدیریت شرکت صنعتی زاگرس عمل می کند. بدینوسیله هر دو مدیریت می توانند ۲۰ درصد از سود حاصله را با حسابسازی به جیب بزنند. شایان ذکر است که شرکت صنعتی جنرال می توانست بدون واسطه نایلون مورد نیاز خود را از بازار تامین کند.

بازرهبان گرانفروشی
به سبک جمهوری اسلامی

اوایل سال جدید بانک صادرات هزاران تن شکر وارد کشور کرد. این بانک شکرهای وارداتی را از قرار کیلوثی ۸۵ تومان در بازار آزاد فروخت. مطلب از این قرار است که بانک از طریق پولهایی که زحمتکشان بعنوان "قرض الحسنه" نزد بانک می سپارند به تجارت می پردازد که از آنجمله خرید هزاران تن شکر است. بانک قصد داشته است شکرهای خریداری شده را به سه تاجر عمده بمبلغ ۷۲۰ میلیون تومان بفروشد که تاجر گردن کلفت دیگری بنام حاج رحیم وثوق حاضر می شود این شکرها را به مبلغ ۷۷۰ میلیون تومان بخرد که بانک شکرها را به او می فروشد تا راهی بازار آزاد شود.

اخاذی در بیمارستان "بوعلی"

بیمارستان بوعلی بسیاری از شبها دکتر کشیک ندارد. هیچ مامائی مریض نمی پذیرد و مراجعان را به بیمارستانهای دیگر پاس می دهند. عمل سزارین، در بسیاری از بیمارستانهای خصوصی عملی عادی محسوب می شود، ولی پزشکان درمانگاهها و بیمارستانهای دولتی، از جمله بیمارستان بوعلی، بندرت حاضر به انجام آن می شوند. از اینرو، موارد بسیاری به چشم می خورد که در هنگام وضع حمل زائو، یا فرزندش و یا هر دو از بین می روند.

علیرغم اینکه بیمارستان بوعلی دولتی است، کلیه لوازم اولیه نوزاد بعمده خانواده است. در صورتیکه خانواده زائو به هیچ وجه استطاعت مالی نداشته باشند، از آنها خواسته می شود که حداقل مبلغی را به صندوق صدقه کمک کنند. به هر حال، اشکالی از اخاذی وجود دارد، ولی هیچ گونه تضمینی در ارتباط با نحوه صحیح زایمان برای مادران وجود ندارد.

پخش فرم امنیتی در میان سربازان

در بین سربازان پادگان ۶۰، سلطنت آباد فرمی توزیع شده است. بر اساس این



فرم سربازان موظف شده اند کلیه اطلاعات لازم در مورد بستگان و دوستان و آشنایان و همسایگان خود را که با 'گروهک ها' در ارتباط بوده اند و یا هستند ارائه کنند. در ضمن در مورد سوابق سرباز هم در زمینه سابقه فعالیت سیاسی و اجتماعی سئوالاتی گنجانده شده که سربازان باید جواب بدهند. این فرم در پادگانهای مختلف پخش شده است.

محاكمه سربازان فراری

پس از گذشت يك سال از پذیرش قطعنامه، هنوز دادگاههای نظامی سرگرم محاكمه سربازانی هستند که از رفتن به جنگ سر باز زده بودند. این سربازان عموماً به چند ماه زندان محکوم می شوند. در حال حاضر، از جمله زندان دیزل آباد کرمانشاه پر از سربازان فراری است. در این زندان که بسیار کثیف است و حضرات موئی از در و دیوار آن بالا می رود، سربازان به انواع بیماریها بویژه بیماریهای پوستی مبتلا می شوند.

*
بیماریهای عصبی، از دست دادن تعادل روحی و روانی و خودکشی در بین دختران و زنان بشدت رو به رشد است. هر روز خبری از گوشه ای از تهران شنیده می شود که زنی خود را آتش زد و یا حلق آویز کرد، یا سم خورد و یا... درمانگاهها و مراکز پزشکی پر است از زنان و دخترانی که تعادل روحی خود را از دست داده اند. اگرچه این پدیده خاص زنان نیست، ولی بدلائل گوناگون روان پریشی در بین زنان بیشتر از مردان دیده میشود.

*
از مادری که پسرش را پس از چهار سال زندانی کشیدن، در جریان کشتار جمعی زندانیان سیاسی اعدام کردند، تمهید می گیرند که از پوشیدن لباس سیاه و برپا کردن مراسم سوگواری باید خودداری کند. ناچار این مادر در مراسم عزاداری فرزندش لباس سفید می پوشد...

پس از مرگ خمینی، این مادر داغدار در مراسمی که در مسجد محل برگزار می شود، با لباس سفید شرکت می کند. عمال رژیم، اعتراض می کنند که چرا در مراسم سوگواری خمینی، لباس سفید بر تن کرده ای؟

او می گوید: مگر خود شما پوشیدن لباس سیاه در مراسم سوگواری پسرم را ممنوع نکردید، چرا باید در مراسم مرگ خمینی لباس سیاه بپوشم.

درگیری خونین ماموران دولتی
و کمیته چی ها با صیادان

به نوشته روزنامه گبهان اول شهریور ماه، نامشده سازی در پایتاق سخنان پیش از دستور خود از رهبر معظم انقلاب، آیت الله خامنه ای، خواست با توجه به اینکه ایشان مقصد در جریان وقایع "کیاسر" هستند، موضوع را به نحو ریشه ای بررسی کنند تا حل مشکل شود و هر روز شاهد وقوع درمسرمانی برای مردم مظلوم منطقه نباشیم...
حال برای اطلاع خوانندگان، از "وقایع کیاسر" که پس از شش ماه همچنان داغ است، گزارش دریافتی زیر در این باره را به چاپ می رسانیم:

کمیته درم شکسته و تورهای ماهیگیری آنان پاره می شود. بسیاری از اموال صیادان مصادره می گردد. شب هنگام مقر کمیته حراست بندر کیاشهر به آتش کشیده می شود که به گفته اهالی، آتش زدن مقر کمیته حراست، کار خود ماموران دولتی است تا بدین ترتیب تیراندازی و درگیری با مردم را توجیه کنند. بلافاصله پس از آنکه ماموران موفق می شوند اوضاع را تحت کنترل در آورند، دستگیریها در سطح گسترده آغاز می شود. تعداد کثیری از صیادان و مردم محلی را دستگیر می کنند. در شهر از ساعت ۷ بعد از ظهر تا صبح حکومت نظامی برقرار می گردد. مقررات حکومت نظامی تا چند روز ادامه می یابد.

بدنبال این درگیری خونین، کمیته حراست که اوضاع را نابسامان می بیند، کمیته های انقلاب را مسبب این درگیری معرفی می کند و اعلام می دارد که مخالف درگیری و زد و خورد بوده است. با این وجود، پس از گذشت ماهها از درگیری، همچنان عده ای از صیادان و مردم محلی در بازداشت بسر می برند. گفته میشود که هشت نفر از بازداشت شدگان را بعنوان 'ضد انقلاب و عناصر گروهکها' تحت شکنجه قرار داده اند.

بدنبال منع صید ماهی "غیرقانونی" توسط کمیته حراست بندر کیاشهر استان گیلان، بین ماهیگیران آزاد و کمیته حراست در روز ۲۸ اسفند ماه ۶۷، درگیری شدیدی صورت گرفت. در جریان این درگیری تفنگ بدستان رژیم اقدام به تیراندازی و دستگیری عده ای از ماهیگیران کردند. در پی آن در بندر کیاشهر حکومت نظامی اعلام شد.

کمیته حراست بندر کیاشهر اعلام می کند که از روز ۲۸ اسفند ماه کسی حق صید ندارد. ولی صیادان نور چشمی و کسانیکه حاضر به دادن رشوه بوده اند، آزادانه به صید می پردازند. غیر قانونی عمل کردن کمیته حراست (منع صید طبق قانون و عرف، هر ساله از ۱۶ فروردین ماه آغاز می شد) و تبعیض قائل شدن، خشم صیادان را بر می انگیزد و با ماموران حراست درگیر می شوند. کمیته حراست از کمیته های شهر لاهیجان و آستانه کمک می خواهد. مزدوران کمیته در محل حاضر و با صیادان درگیر می شوند و با بالا گرفتن درگیری مبادرت به تیراندازی می کنند که در نتیجه ۲ تن از صیادان مجروح می شوند و شمار زیادی از قایق های صیادان توسط ماموران

از اظهارات میخائیل گارباچف در تلویزیون مرکزی اتحاد شوروی

از نو به شیوه های کهنه مدیریت به صورت فرماندهی روی آورد. می گویند در غیر اینصورت هرج و مرج فرا خواهد رسید. چپ گرایان هم پیشنهاد می کنند بفرنج ترین مسائل را یکباره و در يك چشم بهم زدن حل کنیم، بی آنکه امکانات واقعی و منافع جامعه را در نظر بگیریم. چیزی هم فزون تر، این امر به مثابه نیکخواهی برای خلق و دلسوزی برای آینده اش وانمود می گردد.

به تازگی توصیه های دیگری هم می کنند که از آنها چنین بر می آید که 'نجات' ما تنها وابسته به يك چیز است - از ارزشهای سوسیالیستی چشم بپوشیم و دگرگونسازی را به شیوه سرمایه داری انجام دهیم. آری، چنین چیزی هم یافت می شود. سرشت سیاست دگرگونسازی است که توجه آن معطوف به نوسازی سوسیالیسم است. آری، دگرگونسازی به دشواری پیش می رود. اما این يك پیچ تند است. يك انقلاب است، هم در اقتصاد، هم در سیاست و هم در عرصه معنوی و هم در خود شعور انسانی و در مجموعه شیوه زندگی ما. از این گذشته در عمل خطاهایی هم در روند دگرگونسازی سر زد. اما دگرگونسازی راه واقعی برای نوسازی جامعه و دستیابی به کیفیت نوین، برای ساختن سوسیالیسم واقعا انساندوستانه و دمکراتیک را گشود، احساس فرور را به کشور کبیر ما باز گرداند و به انسان شوروی احساس آزادی بخشید. این يك سرچشمه نیرومند انرژی اجتماعی و معنوی، و مایلم بیفزایم میهن دوستانه برای دهه های تمام است.

و حال که چنین است، باید هر آنچه را که می توانیم انجام دهیم تا دگرگونسازی را بر پایه اندیشه ها و اصولی که حزب اعلام کرده است گسترش دهیم و به این گردن ننهیم که زیر فشار مشکلاتی که بوسر ما فرو ریخته است، کسی بتواند تردید نسبت به درستی راه برگزیده شده را به جامعه تحمیل کند.

میخائیل گارباچف پس از تاکید بر اینکه جامعه اهمیت بی نهایت زیاد لحظه را درک می کند، اعلام کرد: مردم شروع کرده اند از خیالات باطل، از باور بوجود راه حل های ساده و آسان و اینکه کسی از بالا همه چیز را آماده برایشان خواهد آورد و همه مسائل را حل خواهد کرد رهائی یابند.

در مباحثات آنان غالبا می توان حرف هایی از این سست شنید: آنطور زندگی می کنیم که کار می کنیم - نه بهتر و نه بدتر. مایلم فقط بیفزایم: فردا نیز آنطور زندگی خواهیم کرد که کار.

رشد تغییرات مثبت را از اینجا هم می توان دید که اخیرا در جامعه مسئله انضباط، نظم و بی مسئولیتی بگونه ای حاد مورد گفتگو قرار می گیرد. من از این امر کاملا پشتیبانی می کنم و مایلم بگویم: نقض انضباط دولتی، کاری و تکنولوژیکی را که در همه جا انجام شده است و عدم اجرای

رفقا سلام! گفتگوی امشب من با شما پیرامون لحظه جاری است. وضع در کشور دشوار است. همه ما این را می دانیم و همه ما آن را احساس می کنیم.

همه چیز - هم مسائل حاد بازار مصرف، هم درگیری در مناسبات میان ملیتها و گهگاه حتی روندهای دردناک در شعور اجتماعی - چون گرهی در هم تنیده است که با چیره شدن بر اعوجاج ها و نوسازی سوسیالیسم ارتباط دارد. مردم می گویند بفهمند ما در لحظه کنونی کجای کاریم، جنبه های مثبت و منفی راه پیموده شده طی چهارسال و نیم کدام است، دمکراسی چگونه گسترش می یابد و اصلاحات اقتصادی و سیاسی به کجا رسیده است.

تلاش مردم برای پی بردن به علل واقعی ضعف های ما، ناکامی در اجرای برنامه های مشخص دگرگونسازی و حل مسائل درنگ ناپذیر، روشن کردن اینکه چرا وضع در برخی زمینه ها نه تنها بهبود نمی یابد، بلکه بفرنج تر هم می شود نیز قابل درک است. به دیگر سخن، وجه مشخصه لحظه کنونی زندگی سیاسی مباحثات بسیار داغ است. اما در این مورد عمده ترین چیز که بخصوص باید روی آن تاکید کرد این است که توده های کار به حرکت درآمده اند و پیوسته فعالانه تر در مباحثات برای حل مسائل اجتماعی - اقتصادی و سیاسی شرکت می کنند.

رفقا، این واقعیت اهمیت اصولی دارد. زیرا به دگرگون سازی خصلت سازنده و کاربرانه می دهد و بدین ترتیب بیگانه شدن خلق از حاکمیت برطرف می گردد.

اما چیز دیگری نیز هست که نمی توان آنرا نادیده گرفت. در گرداب طوفانی مباحثات و حوادث، در زمانهای اخیر چیزهایی صورت می گیرد که نمی تواند بدون توجه و ارزیابی گذاشته شود. می بینیم که چگونه، هم از مواضع محافظه کارانه، هم چپ روانه و گاه حتی سوسیالیسم ستیزانه آشکار، کوشش می شود دگرگونسازی بی اعتبار گردد. در این همسرانی نامتجانس، هم ترساندن از هرج و مرجی که دارد فرا می رسد وجود دارد و هم استدلال پیرامون خطر کودتا و حتی جنگ داخلی. واقعیت این است که برخی ها میل دارند در جامعه چو نگرانی، احساس بن بست و عدم اطمینان بوجود آورند.

انسان به زحمت می تواند خود را از این دریافت رها کند که برای کسانی صرف دارد و کسانی هم می خواهند صاف و ساده مردم را گمراه کنند و به اعمال نسنجیده وادارند.

در واقع از مواضع محافظه کارانه می گویند چنان ارزیابی هائی را در مورد وضع موجود تحمیل کنند که مردم را به واکنش نسبت به دگرگونسازی بکشانند و آنان را به این نتیجه برسانند که باید روندهای آغاز شده را متوقف کرد و یا لااقل کند ساخت و

در گرداب طوفانی مباحثات و حوادث، در زمانهای اخیر چیزهایی صورت می گیرد که نمی تواند بدون توجه و ارزیابی گذاشته شود. می بینیم که چگونه، هم از مواضع محافظه کارانه، هم چپ روانه و گاه حتی سوسیالیسم ستیزانه آشکار، کوشش می شود دگرگونسازی بی اعتبار گردد. در این همسرانی نامتجانس، هم ترساندن از هرج و مرجی که دارد فرا می رسد وجود دارد و هم استدلال پیرامون خطر کودتا و حتی جنگ داخلی. واقعیت این است که برخی ها میل دارند در جامعه چو نگرانی، احساس بن بست و عدم اطمینان بوجود آورند.

تعهدات طبق قرارداد میان موسسات، جمهوری ها، مناطق و بخش ها را نمی توانیم تحمل کنیم.

نمی توانیم چنین چیزی را بپذیریم که به علت قطع کار در حمل و نقل، نظم اقتصاد ملی برهم بخورد.

می خواهم در مورد امتصاب ها هم صحبت کنم. اگر برای حل مسائل در این راه حرکت کنیم، می تواند پیامدهای خطرناکی برای جامعه داشته باشد. مسائلی که پیدا می شوند باید به شیوه های دیگر و بوقت حل گردند، بطوریکه رشد نیابند و خصلت دردناک پیدا نکنند و بویژه باید نسبت به مجاز شمردن فراگیر ائتلاف ثمراتی که با زحمت و صرف منابع مادی و مالی بدست آمده است بردباری نشان نداد.

فکر می کنم که مردم بدرستی مسئله رشد قاطع مسئولیت و انضباط را در همه سطوح مطرح می سازند.

دگرگونسازی و بی مسئولیتی در یکجا نمی گنجند. اینها نقطه مقابل یکدیگرند.

میخائیل گارباچف در بخش دیگری از سخنان خود گفت هنگامی که به ارزیابی وجوه مشخصه وضع کنونی جامعه ما می پردازم نمی توانم به مسئله جرم و جنایت توجه نکنم. هنگام بحث پیرامون این مسئله حاد اجتماعی در نخستین نشست شورای عالی اتحاد شوروی، نمایندگان اتفاق نظر داشتند که در این رابطه باید قاطع ترین تدابیر بخصوص علیه تبهکاری سازمان یافته، رشوه خواری، احتکار و علیه هرگونه دستیازی به اموال و شرف شهروندان اتخاذ گردند.

در همه شهرها و نقاط مسکونی باید نظم جدی تری برقرار شود. شورای عالی لازم دید به میلیس (پلیس خلقی) و همه نهادهای مدافع قانون امکانات گسترده تر و اختیارات بیشتری برای مبارزه با تبهکاری بدهد و پایگاه مادی - فنی آنان و وسایلشان را بهبود بخشد، تعداد سربازان داخلی را زیادتو کند و وضع مادی کارکنان در این نهادها را بهتر سازد. اما باید ضمنا توقع نسبت به همه کسانی را که در جایگاه نگهبانی از نظم اجتماعی و قانونیت سوسیالیستی قرار دارند بیشتر کنیم.

اعلامیه خبرگزاری اتحاد شوروی "تاس"

اخیرا پاره ای از رسانه های گروهی جمهوری فدرال آلمان و محافل معین سیاسی این کشور، کارزار هدفمندی را علیه جمهوری دمکراتیک آلمان برآه انداخته اند. موارد سفر غیرقانونی شهروندان جمهوری دمکراتیک آلمان به خارج پرده ساتر انجام این کار شده است.

برخی از ارگانهای مطبوعاتی، رادیویی و تلویزیونی، مردم جمهوری دمکراتیک آلمان را به دستیازی به اعمال غیر قانونی تشویق می کنند. در همان حال، نمایندگی های رسمی جمهوری آلمان در خارج این افراد را با نقض موازین عام و معتبر بین المللی تحت قیمومیت خود گرفته و برایشان گذرنامه های آلمان غربی صادر می کنند. همه این کارها توأم با فعال تر شدن آن محافل شورونیسستی است، که در گذشته نیز واقعیات سیاسی و سرزمینی موجود در اروپا را به رسمیت نشناخته و اندیشه راهی "انضمام" جمهوری دمکراتیک آلمان را کنار نهاده اند.

برخی از سیاستمداران و روزنامه نگاران آلمان غربی حتی درباره وظیفه عملی و سیاسی برای از میان بردن نظام برقرار شده پس از جنگ اظهار نظر می کنند. چنین چنجال تبلیغاتی پیرامون جمهوری دمکراتیک آلمان و کوشش برای مداخله در امور داخلی این کشور با همکاری ثمربخش در کل اروپا، با پیشرفت دائمی روند هلسینکی و با تحکیم اعتماد میان غرب و شرق درکل ناهماهنگ است. باید انتظار داشت که در بن چنین پدیده هایی با کمال جدیت و مسئولیت ارزیابی شود.

اکنون چهار دهه است که جمهوری دمکراتیک آلمان جای شایسته ای را در خانواده خلقهای اروپا احراز کرده و با موجودیت خود و با سیاست خویش در راستای تفاهم میان خلقها، به میزان نه چندان کمی به تضمین صلح، امنیت و حسن همجواری در اروپا، و به ثبات آن خدمت کرده و سهم خود را همچنان ادا می کند. جمهوری دمکراتیک آلمان عضو جدائی ناپذیر پیمان ورشو، دوست و هم پیمان وفادار ماست. این امر باید برای کسانی که می کوشند، حق حاکمیت جمهوری دمکراتیک آلمان و استقلال آنرا نقض کنند، روشن باشد.

**زنده باد آزادی و
صلح ، سرنگون باد
رژیم "ولایت قضیه"**

لغو قاتون ضد کمونیستی

براساس تصمیم شورای وزیران تایلد، قاتون منع فعالیت کمونیستی لغو می شود. سخن بر سر لغو قاتون مبارزه علیه فعالیت کمونیستی (معروف به 'فرمان ضد کمونیستی') و آزادی ۱۲ تن از شخصیت های برجسته اجتماعی است که به اتهام عضویت در حزب کمونیست زیرزمینی تایلد بازداشت شده بودند. این قاتون که هرگونه فعالیت کمونیست ها را در سطح کشور منع می کرد، در سال ۱۹۳۲ به تصویب رسید و در ۱۲ نوامبر سال ۱۹۵۲ با ماده ای که در آن مجازات هائی برای کمونیست ها پیش بینی می شد، تکمیل گردید. اعضاء حزب کمونیست تایلد، که بخاطر عضویت در حزب با خطر هفت سال زندان روبرو بودند، ناچار به فعالیت زیرزمینی روی آوردند.

از اظهارات ...

همه این کارها را باید انجام داد. اما اگر در این امری که آسان هم نیست، تمام جامعه ما نست بکار نشود بسرعت نخواهیم توانست دگرگونی بوجود آوریم. بدیگر سخن، هم در مرکز و هم در دیگر نقاط، در همه گروه های کار باید کار عملی برای تحقق دگرگونسازی، برای حل مسائل آنباشته شده تشدید کرد.

در چند ماه آینده، اتخاذ تصمیم های اساسی در پیوند با مسائلی که بیدرنگ باید حل شود و مسائلی که باید بعدا راه حل خود را بیابند در دستور روز مرکز است. دولت شوروی دارد برنامه تدابیر فوق العاده برای سالم کردن اقتصاد و قبل از همه عادی کردن بازار مصرف را تدوین می کند و باید آنرا در نشست نمایندگان کنگره خلق مطرح سازد. فکر می کنیم که این برنامه باید پاسخ روشنی به این پرسش که حادثترین مسائل اجتماعی - اقتصادی چگونه و در چه مهلتی حل خواهند شد بدهد.

من امکان آن را می بینیم که در مجموعه چنین تدابییری ممکن است تدابیر نامقبول، سخت و تا میزان معینی دردناک هم وجود داشته باشد. اما اینها فقط وقتی قابل توجه است که لزوم برون رفت از وضع بوجودآمده آنها را دیکته کرده باشد. مسئله کمبود ها که بیشترین نارضائی و انتقاد را در مردم بر می انگیزد مسئله جداگانه ای است. دولت باید در باره این مسئله حاد اجتماعی نیز گزارش بدهد و تدابیر عملی برای آینده بسیار نزدیک را ارائه دهد.

در نشست شورای عالی اتحاد شوروی اتخاذ تصمیم های مهم، در پیوند با تعمیق بیشتر اصلاحات اقتصادی و اجتماعی در دستور روز است. میخائیل گارباچف در سخنان خود به برخی از آنها اشاره کرد. او سپس افزود: مسائلی که پیوند با سیاست ملی دارد و باید پاسخگوی اصول و خواستهای دگرگونسازی باشد، بزودی در پلنوم کمیته مرکزی مورد بحث قرار خواهد گرفت. مسائل دیگری نیز مطرح و حل خواهد شد.

به عبارت دیگر، ما وارد مرحله تازه و

پرمسئولیتی از توسعه جامعه و تحقق سیاست دگرگونسازی تدوین شده از سوی حزب کمونیست اتحاد شوروی شده ایم. تغییراتی که آغاز کردیم و آنها را تشدید می کنیم و تعمیق می بخشیم بیگمان نتایج خود را ببار خواهد آورد. در این مطمئنم. اما بدین منظور باید همه ما قاطعانه و با هماهنگی عمل کنیم. امروزه بیش از هر زمان دیگری یکپارچگی همه نیروهای مترقی ضروری است.

در این امر هم نقش حزب، بمثابه متحد کننده و نیروی پیش آهنگ جامعه جایگزینی ندارد. کسانی که امیدوارند از مشکلات دوران گذار برای رسیدن به هدف های ناشایست خود بهره گیرند و می کوشند پایه های نفوذ حزب را سست کنند باید بدانند که موفق نخواهند شد.

میخائیل گارباچف در پایان با اشاره به اینکه وظایف نوین خواهان نوسازی عمیق حزب است، اعلام کرد:

حزب با دگرگونسازی خود، با پاکسازی خویش از هر آنچه که مانع اوست، با چیره شدن بر دکماتیسم و محافظه کاری، با آموختن شیوه ها و روش های تازه کار، نوکردن ترکیب کادری خود و عمل کردن همراه با زحمتکشان، خواهد توانست نقش خود را بمثابه پیشاهنگ سیاسی جامعه ایفا نماید. حزب کمونیست اتحاد شوروی مشی خود مبنی بر دگرگونسازی را با رهبری کردن دگرگونی های انقلابی در کشور با قاطعیت تحقق خواهد بخشید. باید همه روند ها و پدیده های وضع موجود را با واقع بینی ارزیابی کنیم، از خود اعتماد به نفس نشان دهیم، بروشنی ببینیم در کجا قرار داریم، دچار سردرگمی نشویم و بر این اساس برای کار انجام شده تا لحظه معین و برای چشم انداز آینده نتیجه گیری کنیم. باید با احساس مسئولیت، خردمندانه و بدون انحراف از مشی تعیین شده برای دگرگونسازی جامعه کار کنیم.

رفقا، برای شما موفقیت در کار، قاطعیت و روحیه نیرومند آرزومندم.

